

کارنامهٔ سیاه

الحمد لله

الحادثشناسی نوین
در رد شبهات ملحدین

نویسندگان:

عمر و علی بسیونی

علی حمزة زکریا

مؤسسه ناصر بن سعید

مترجم:

یاسین شبانی

www.ketab.ir

بسیونی، عمرو علی، ۱۹۸۵-م.

الأسس اللاعقلیه للإلحاد مشکله مبدأ العالم نموذجاً. فارسی

کارنامه‌ی سیاه: الحادشناسی نوین در رد شبهات ملحدین

نویسندگان عمرو علی بسیونی، علی حمزه زکریا، موسسه ناصرین سعید؛ مترجم یاسین شبانی.

مشخصات نشر تهران: نشر احسان، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری ۱۱۲ ص.

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۸۳۸-۹

موضوع الحاد

موضوع خدا -- اثبات

شناسه‌ی افزوده زکریا، علی حمزه، ۱۹۸۵-م.

شناسه‌ی افزوده شبانی، یاسین، ۱۳۷۸-

رده‌بندی کنگره ۲۲۵/۳ BP

رده‌بندی دیویی ۴۶۴/۲۹۷

شماره‌ی کتابشناسی ملی ۷۷۲۹۸۶۸

www.ketab.ir

مشخصات کتاب

کارنامه‌ی سیاه

(الحادشناسی نوین در رد شبهات ملحدین)



نویسندگان: عمرو علی بسیونی، علی حمزه زکریا، ناصرین سعید

مترجم: یاسین شبانی

ناشر: نشر احسان

چاپخانه: مهارت

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۸۳۸-۹

کارنامه سیاه



۱۰۳۲۷۹

۳۰۰۰۰ ریال

سرا احسان

تهران، خیابان انقلاب، روبه روی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۴۰۶

www.nashrehsan.com

تلفن: ۶۶۹۵۴۴۰۴



۹ مقدمه مترجم

۱۰ آشنایی با ماتریالیسم دیالکتیک و جهان بینی الحاد

۱۱ اصول چهارگانه ماتریالیسم دیالکتیک؛ اساس ایدئولوژی (جهان بینی) الحاد

۱۳ زیرشاخه های ماتریالیستی

۱۴ قوانین دیالکتیک

۲۰ وصف کتاب

www.ketab.ir

مبانی غیرعقلانی الحاد

۲۳ پیشگفتار

۲۵ نبود علیت

۲۸ علیت بین هیوم و کانت

۴۰ علیت تصادفی (بی نظمی (صُدفه) , ماتریالیسم ضروری)

۴۰ صُدفه (شانس , تصادف)

۴۶ ماتریالیسم

۵۲ دور

۵۳ عدم تناسب (سنخیت نداشتن و نایکپارچگی)

انواع الحاد

- پیشگفتار..... ۵۸
- نوع اول: الحاد علمی..... ۶۲
- نوع دوم: الحاد آنتروپولوژی (الحاد برمبنای مردم شناسی)..... ۶۵
- نوع سوم: الحاد اجتماعی..... ۶۶
- نوع چهارم: الحاد روانی (الحاد روان شناختی)..... ۶۸
- نوع پنجم: الحاد فلسفی..... ۷۱
- نوع ششم: الحاد ادبی..... ۷۴
- نوع هفتم: آگنوستیسیسم (ندانم گرایی)..... ۷۶

پدیده الحاد در جوامع اسلامی

- پیشگفتار..... ۷۸
- مفهوم الحاد..... ۷۹
- سبب و علت انتشار الحاد در جوامع اسلامی..... ۸۱
- تحركات سازمان یافته الحاد در جوامع اسلامی..... ۸۵
- راه های پیشگیری و درمان الحاد در جوامع اسلامی..... ۸۷
- سخن پایانی مترجم..... ۹۰
- منابع..... ۹۲

الحاد نوین و آنچه امروزه با نام خداناباوری شناخته می‌شود، پدیده‌ای تازه نیست؛ بلکه از روزگاران کهن بوده‌اند کسانی که به هر دلیلی منکر وجود خداوند متعال می‌شدند؛ همان‌گونه که الله ﷻ می‌فرماید:

﴿أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ﴾ یعنی «آیا ایشان (همین جوری از عدم سر بر آورده‌اند و) بدون هیچ گونه خالق آفریده شده‌اند؟ و یا این که (خودشان خویشتن را آفریده‌اند و) خودشان آفریدگارند؟» (طور، ۳۵)

در واقع آن چیزی که در عصر کنونی این پدیده را تا این حد گسترش داده، تبدیل شدن به مکاتب فلسفی است که مایلیم در این مقال و مجال درباره آن مطالبی عرض کنم.

جلال الدین ابوالفضل محمد بن مکرم، مشهور به ابن منظور رحمته الله، در جلد سوم *لسان العرب* خود درباره الحاد می‌نویسد: «مَعْنَى الْإِلْحَادِ فِي اللَّغَةِ الْقَيْلُ عَنِ الْقَضْد»^۱ یعنی «الحاد در لغت به معنای انحراف از قصد و هدف است.» و همچنین آورده است: «أَصْلُ الْإِلْحَادِ: الْقَيْلُ وَالْعُدُولُ عَنِ الشَّيْءِ»^۲ یعنی «أَصْلُ الْحَادِ انْحِرَافٌ وَتَجَاوُزٌ [چهارچوب] چیزی است.»

اما الحادی را که امروزه می‌شناسیم، کارل هاینریش مارکس، فیلسوف ملحد و اقتصاددان و جامعه‌شناس معروف، و فریدریش انگلس، فیلسوف ملحد و دوست و

۱. جلال الدین ابوالفضل محمد بن مکرم بن علی بن منظور الأنصاري، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ هـ. ق. ذیل «الإلحاد»، ج ۳.

ص ۳۸۹.

۲. همان.

همکار مارکس، پایه‌ریزی کردند و چندی از شاگردان مکتبش، همچون لنین و مائو و استالین، به اوج خود رساندند.

آشنایی با ماتریالیسم دیالکتیک^۱ و جهان‌بینی الحاد

اصولی که مارکس، انگلس و پیروان مارکس پایه‌ریزی کردند و گسترش دادند، به گسترش جهان‌بینی‌ها، رویکردها و مکاتب فلسفی الحادی منجر یا یکی از عوامل گسترش آن‌ها شد؛ مانند آتئیسم^۲ (مکتبی فلسفی که بر ناباوری به خداوند قائم است)، آگنوستیسیسم^۳ (مکتبی فلسفی که بر نامعلوم بودن وجود یا عدم وجود خداوند قائم است)، اسکپتیسیسم^۴ (رویکردی فلسفی که بر مبنای شک در همه چیز و بر همه چیز است)، ناتورالیسم^۵ (مکتبی فلسفی که بر آن است قوانین طبیعی جهان را اداره می‌کند)، اومانیزم^۶ (جهان‌بینی‌ای فلسفی که بر مبنای ناباوری به وجود خداوند است و انسان و دانش و عقل او را معیار همه چیز می‌داند)، راسیونالیسم^۷ (مکتبی فلسفی که بر اصالت عقل^۸ و تقدّم عقل بر تجربه و مشاهده قائم است)، پوزیتیویسم^۹ (رویکردی فلسفی است که بر آن است تجربه حسی تنها راه معرفت و

1. Dialectical materialism

2. Atheism

3. Agnosticism

4. Skepticism

5. Naturalism

6. Humanism

7. Rationalism

۸. باورمندان به اصالت عقل بر این باورند که انسان با عقل می‌تواند به معرفت یقینی برسد؛ به گونه‌ای که امکان خطا در آن نباشد.

9. Positivism

شناخت است)، اگزیستانسیالیسم^۱ الحادی (رویکردی فلسفی که به اصالت وجود^۲ از منظر خدا ناباورئ قائم است) و...؛ درحالی که آنچه اکثراً در جامعه ما مطرح است، الحاد به معنای آتئیسم است.

اساس ایدئولوژی الحاد و جهان بینی الحادی بر مبنای ماتریالیسم دیالکتیک است. مارکس با التقاط فلسفه ماتریالیستی و منطق دیالکتیکی که از هگل آموخته بود، ماتریالیسم دیالکتیک را پایه ریزی کرد. ماتریالیسم دیالکتیک بر پایه چهار اصل بنیادی و تعدادی زیرشاخه ماتریالیستی (ماده گرایی) و دیالکتیکی است. در مسئله اصول بنیادین ماتریالیسم دیالکتیک از کتاب *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، نوشته علامه سید محمد حسین طباطبایی و شرح آیت الله مرتضی مطهری، و در بخش زیرشاخه های ماتریالیسم و قوانین دیالکتیک از کتاب *ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی*، نوشته امیرنیک آیین، استفاده بردم.

اصول چهارگانه ماتریالیسم دیالکتیک؛ اساس ایدئولوژی (جهان بینی) الحاد

۱. اصل تبعیت جزء از کل (اصل تأثیر متقابل / اصل پیوستگی عمومی اشیا): این اصل بیان می کند همه اجزای طبیعت با هم دیگر در ارتباط اند و هیچ چیزی را نمی توان بدون کل مجموعه اش در نظر گرفت. استالین در جزوه *ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی* می گوید:

«متد دیالکتیک معتقد است که هیچ گونه پدیده ای در طبیعت منفرداً و بدون در نظر گرفتن روابط آن با سایر پدیده های محیطش نمی تواند مفهوم واقع

شود؛ زیرا پدیده‌ها در هر رشته از طبیعت که تصور کنیم، وقتی خارج از شرایط محیط در نظر گرفته شوند، به امری بی‌معنی تبدیل خواهند شد.»

۲. اصل تغییر (اصل حرکت، اصل تکامل): فریدریش انگلس، که کتاب اصول کمونیسم از اوست و همچنین کتاب مانیفست حزب کمونیست را همراه با کارل مارکس نوشت، در توضیح این اصل می‌گوید:

«دنیا را نباید بصورت مخلوطی از اشیاء ثابت و تمام شده و ساکن تصور نمود، بلکه دنیا عبارت است از مخلوطی از سیرهای تحولی که در آن موجوداتی که ظاهراً ثابت می‌باشند و همچنین انعکاس این موجودات در ضمیر انسان که همان افکار باشد، دائماً در حال سیر تحولی و انهدام می‌باشند.»

۳. اصل جهش: این اصل بر آن است که تغییر و حرکت همواره در حالت یکنواخت نیست؛ بلکه لحظاتی فرامی‌رسد که این تغییرات تدریجی حالتی شدید و انقلابی به خود می‌گیرد و به تغییر در کیفیت منجر می‌شود. استالین می‌گوید:

«دیالکتیک برخلاف متافیزیک سیر تکاملی را یک جریان ساده‌ی نشو و نما که در آن تغییرات کمی منجر به تغییرات کیفی نشود، نمی‌داند، بلکه تکامل را از تغییرات کم اهمیت و پنهانی کمی می‌داند که به تغییرات کیفی آشکار و اساسی منتهی می‌گردد.»

البته باید گفت سخن استالین در اینجا درباره‌ی متافیزیک اشتباهی معرفتی درباره‌ی مسئله متافیزیک است؛ اما برای جلوگیری از اطاله سخن به نقد آن نمی‌پردازیم و به نقل آن اکتفا می‌کنیم.